

بسم الله الرحمن الرحيم

«الهی انطقنی بالهدی و الهمنی التقوی»

عزیزانی که پای تلویزیون بحثی که پخش می شود می بینند، شب تولد حضرت زهرا(س) است. بحث در آن زمان پخش می شود و مخاطب شما هستید. یک سوره هست تقریباً همه ایرانی ها حفظ هستند. کوچکترین سوره قرآن است و مربوط به حضرت زهراست. این سوره را من می نویسم. قاری ممتاز در جلسه هست؟ درجه یک؟ کیه؟ خودت؟ سوره «انا اعطینا» را تا من می نویسم شما با صوت خوب بخوانید. همینجا که هستید بخوانید. میکروفون ندارید... بخوانید صدا پخش می شود. اصلاً همه این سوره را حفظ هستند. با هم بخوانید.

1- جایگاه سوره کوثر در قرآن

«بسم الله الرحمن الرحيم، إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكُوثَرَ، فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ، إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ» (کوثر/1-3) [پای تخته می نویسند] سوره کوثر به مناسبت تولد حضرت زهرا(س). «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكُوثَرَ، فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ، إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ» پیغمبر ما دو پسر داشت که بزرگ نشدند. در سن کودکی از دنیا رفتند. دخترش فقط زهرا بود. عربها چون زن را تحقیر می کردند. اصلاً زن را جزء آدم حساب نمی کردند. می گفتند: پسر انسان است و دختر را تحقیر می کردند. خدا در مقابل این فکر غلط فرمود: زن علاوه بر اینکه آدم است می تواند کوثر باشد. کوثر یعنی خیر زیاد، خیر زیادی که باز برکت دارد. گاهی وقتها یک چیزی زیاد هست اما خیلی برکت ندارد. مثل شن های بیابان، شن زیاد است اما برکت دارد یا ندارد؟ به هر زیادی برکت نمی گویند. به زیادی که با برکت است، کوثر می گویند. من چند دقیقه در این مورد صحبت می کنم. بعلاوه اینکه تصادف خوبی شد. با اینکه تولد حضرت امام بنیان گذار جمهوری اسلامی هم، روز تولد حضرت زهرا شد. یعنی این هم یک هدیه خدا بود که به ایرانی ها و به اسلام و مسلمین داده شد. ولی بحث ما حضرت زهراست و یک نگاه چند دقیقه ای هم به انقلاب، اما اصل بحث حضرت زهرا است.

کلمه «انا» یعنی ما، خدا یک جاهایی می گوید: «انی» یک جاهایی می گوید: «انا» یک جا می گوید: من این کار را کردم. یک جا می گوید: «انا» یعنی ما این کار را کردیم. کجا می گوید: من و کجا می گوید: ما؟ هر جا خدا یک کاری را مستقیم انجام بدهد، می گوید: من کردم. مثلاً می گوید: «أَنْتِ أَنَا الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» (حجر/49) من خودم او را می بخشم. چون بخشیدن کار خداست و کار کسی دیگر نیست. بعضی جاها خدا یک کاری که می کند مستقیم خودش انجام نمی دهد. می گوید: من این کار را با واسطه انجام می دهم. مثلاً می گوید: «أَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً» (فرقان/48) ما از آسمان آب فرستادیم. آب را خدا مستقیم نمی ریزد. خورشید به اقیانوس می تابد. دریا بخار می شود بالا می رود ابر می شود. ابرها متراکم می شود فشرده می شود، باران می آید و زمین را جذب می کند. یعنی ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند تا این باران ببارد. جایی که خدا با واسطه کار می کند می گوید: ما، جاهایی که خدا بی واسطه کار می کند می گوید: من! البته در تفاسیر حرف های دیگر هم هست که بحث هایش تلویزیونی نیست. بحث تلویزیونی باید مثل آب جوش باشد که به همه معده ها بخورد. بحث هایی که چربی دارد و

ترشی دارد و زعفران دارد، این را یک عده نمی‌خورند و یک عده هم می‌خورند عطسه می‌کنند. برایشان مشکل است. «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكُوْتَرَ» ما به تو کوثر دادیم. یعنی فاطمه از آسمان پایین نیفتاده است. پیغمبری بود، خدیجه‌ای بود، ازدواجی بود، حاملگی بود، خدیجه این بچه را به دنیا آورد منتهی با واسطه.

«إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ»، أعطینا از عطا است. عطا با «عین و ط». قرآن می‌گوید: «آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي» (حجر/87) قرآن می‌گوید: «آتینا» ولی زهرا را می‌گوید: «أَعْطَيْنَا» فرق بین «أَعْطَيْنَا» و «آتینا» چیست؟ این را هم بعضی گفتند: هردو یعنی بخشیدیم. اگر چیزی را بخشیدند و دیگر پس نگرفتند، می‌گویند: عطا، اگر یک چیزی را دادند ولی ممکن است پس بگیرند، می‌گویند: «آتا». «عطا» یعنی دادم و پس نمی‌گیرم. «آتا» یعنی دادم و ممکن است از تو پس بگیرم. قرآن به تو دادم ولی خواسته باشم قرآن را قیچی می‌کنم. «وَلَئِنْ شِئْنَا لَنُدْهَبَنَّ بِالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ» (اسراء/86) یعنی وحی نمی‌آید. الآن به تو وحی کردم ولی بخواهم وحی را قیچی می‌کنم. من به تو کوثر دادم. کوثر یعنی خیر زیاد. حالا خیر زیاد چیست باز مصادیق زیادی دارد. بعضی می‌گویند: خیر زیاد علم است. 2- نسل است. مقام است. شهرت است. دین اسلام عالم گیر می‌شود. همه اینها خیر است. اما به دلیل... «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكُوْتَرَ» ما به تو کوثر دادیم. کوثر یعنی خیر زیاد. خیر زیاد چیست؟ اسلام عالم گیر می‌شود؟ شاید. علم زیاد، شاید. مقام محمود، شاید. معراج رفت شاید. هرچیزی که پیغمبر دارد می‌تواند کوثر باشد. اما آخر آیه اول آیه را تفسیر می‌کند.

2- مقام دختر در نزد خداوند

می‌گوید: دشمنت ابتر است. عرب‌ها به کسی که نام و رسمش نمی‌ماند، یعنی پسر ندارد، فقط یک زهرا مانده است. دختر هم جزء آدم حساب نمی‌کردند، گفتند: پیغمبر ابتر است. ابتر است یعنی بی عقبه است. عقبه‌ای ندارد، پسری ندارد که جانشین او باشد. «شاننک» یعنی دشمنت، دشمنت ابتر است. از این معلوم می‌شود یک کسی به پیغمبر گفته: ابتر، نقل می‌کنند پدر عمرو عاص بوده است. به پیغمبر گفت: تو ابتر هستی. یعنی پسر کوچولوهایت که مرد بودند مردند. یک دختر داری، دختر هم شأنی نداری، بنابراین تو ابتر هستی، یعنی بی عقبه هستی. عقبه سوزنی هستی که نخ دُم تو نیست. آنوقت خدا می‌گوید: دشمن ابتر است.

چند چیز باید از اینجا یاد بگیریم. یکی اینکه اگر خدا اراده کند با یک دختر، شما حساب کن هرکس هم پدرش سید است، سید است. هرکس هم مادرش سید است او هم سید است. حالا احکام، نمی‌شود به آن خمس داد، یک حساب دیگر است ولی سیدی، سید است. پدر سید و بچه سید است. مادر سید و بچه سید است. ما اگر در هر مسجدی بگوییم: کسانی که پدر و مادرشان سید هستند، یا پدرش سید است یا مادرش سید است دستش را بلند کند، از یک دختر اگر بخواهیم ما می‌دهیم. یعنی غصه نخور که گاهی یک محل کوچک درآمد زیاد دارد، یک محله بزرگ هیچ درآمدی ندارد. گاهی ده اولاد آدم دارد هیچکدام به درد نمی‌خورد، گاهی یک اولاد دارد. گاهی یک خودکار دارد صدها صفحه علمی می‌نویسد. گاهی گرانترین خودنویس‌ها را دارد، یک صفحه به درد بخور نمی‌نویسد. یعنی دنبال خیر زیاد باشید. دنبال آمار نباشید. «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكُوْتَرَ»

«فَصَلِّ» این «ف» یعنی فوری. من که به تو کوثر دادم، فوری، چه کنم؟ «صَلِّ» نماز بخوان. معلوم می‌شود تشکر از خدا نماز است. می‌گوید: حالا که به تو کوثر دادم، تشکر کن. اول اینکه تشکر تو فوری باشد چون «ف» یعنی فوری. نگفته «و صل»، «ثم صلِّ»، «ف» یعنی فوری. نعمتی که خدا به ما داد فوری تشکر کنیم. بهترین تشکر نماز است. برای کی؟ «فَصَلِّ لِرَبِّكَ» فکر نکن نماز به درد خدا می‌خورد. چون «رَبِّكَ» یعنی خدا مربی تو است، چون خدا مربی تو است راه تربیتی تو نماز است. یعنی تو اگر یک نماز خوب بخوانی تربیت می‌شوی.

نگاه کنید زندانی‌ها اهل نماز هستند یا اکثراً تارک الصلاة هستند. اگر به ایران خطری وارد شد مثل زمان صدام، بچه‌های مسجد جبهه می‌روند یا بچه‌های جای دیگر جبهه می‌روند؟ کمک به فقرا از مسجد بیشتر می‌شود یا از بیرون مسجد؟ اگر نماز، نماز درست و حسابی باشد بهترین شکر نعمت نماز است. سعی کنیم مسجد می‌آییم بچه‌هایمان را هم بیاوریم. آقایانی که اهل مغازه هستند اگر نماز مغرب نمی‌آید، نماز عشا بیاید. نماز مغربش را بخواند و در مغازه برود و بگوید: نماز عشاء تو برو. یا یکشنبه من، دوشنبه شما، دوشنبه تو... طوری نباشد که نسل منقرض در مسجد باشند، نسل جوان در خیابان باشند. جا به جا کنند، نسل نو هم باید به مسجد بیاید. برنامه‌های مسجد باید طوری باشد که حوصله بچه‌ها سرنرود. طولانی نباشد. «فَصَلِّ لِرَبِّكَ» چون خدا می‌خواهد تو را تربیت کند راه تربیت تو نماز درست است. آدمی که نماز خوان بود نمی‌تواند لباسش دزدی باشد. مسکنش دزدی باشد. حق و ناحق باشد. لقمه حرام در شکمش باشد. آدمی که لباس سفید پوشید خودش روی زمین سیاه نمی‌نشیند. بروید ببینید معتادها و کسانی که گرفتار زندان هستند، اینها چند درصدشان بچه مسجد و نماز بودند؟ مسجدی‌ها هم گاهی زندان می‌روند، منتهی گهی چکشان برمی‌گردد. خلافکار هم در مسجدی‌ها هست. اما نسبتاً آمار بگیرید.

«وَاَنْحَرُ» نحر یعنی شتر. نمی‌شود بز بکشیم؟ نه. میش، گاو گوساله، ابداء، شتر. چرا؟ زهرا داری. کسی که بهترین آدم‌ها را دارد باید بیشترین گوشت را تقسیم کند. کسی که ماشینش فلان قیمت است، دیگر نمی‌تواند پنج ریال صدقه بدهد. تو باید یک اسکناس ارزش داری بفرستی. یعنی کسانی که بلد هستید... می‌گویند: آنکه بامش بیش، برفش بیشتر! تو سرمایه دار هستی. یک کیلو خرما گرفتی در مسجد تقسیم می‌کنی. یک کیلو خرما برای این است که به پیغمبر فرمود: افطاری دادن خیلی ثواب دارد. یک نفر گفت: من ندارم. گفت: نداری یک خرما بده. این یک خرما برای کسی است که ندارد. اما کسی که دارد، کسی که زهرا دارد باید شتر بکشد. افرادی که پول و قدرت بیشتری دارند، مسئولیت بیشتری دارند. «وَاَنْحَرُ» بعد می‌گوید: «إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ» این کلمات سوره کوثر در هیچ جای قرآن نیست. مثلاً «اعطينا» هیچ جای قرآن نیست. «کوثر» هیچ جای قرآن نیست. «صلِّ لِرَبِّكَ» هیچ جای قرآن نیست. «وَاَنْحَرُ» هیچ جای قرآن نیست. «إِنَّ شَانِئَكَ» هیچ جای قرآن نیست. «الْأَبْتَرُ» هم هیچ جای قرآن نیست. یعنی این سوره کلماتش منحصر به فرد است.

4- شیوه برخورد با تحقیر دشمن

نگفته: «من شانک» شان مثل قال، نگفته: «من شانک ابتر» پدر عمروعاص که گفت: ابتر است، خودش ابتر است. می‌گوید: هرکس «شانئ» یعنی متلکی گفت، «شان» یعنی متلک گو. چه گفت، چه هست و چه بعداً از مادر متولد شود. یعنی در تاریخ آینده هم اگر کسی به تو نیش بزند، سیلی خواهد خورد. این اسلام را بیمه می‌کند. جزء پیشرفت است. تمام کسانی که برای

نابودی اسلام طرح می دهند روز به روز اسلام گسترش پیدا می کند. جمعیت های انبوهی در کشورها به سمت اسلام می آیند. یعنی چشیدند کمونیست شوروی را، چشیدند سرمایه دار آمریکا را. مردم می آید زمانی که هیچ مکتبی را قبول نمی کنند جز مکتب آسمانی. دشمنت ابتر است. ابتر یعنی بی عقبه! به تو گفت: بی عقبه؟ از این معلوم می شود اگر کسی مظلوم شد متلک شنید، شما باید دفاع کنی.

به پیغمبر گفتند: شاعر، فرمود: نه شاعر نیست. «وَمَا عَلَّمْنَا الشُّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي لَهُ» (بس/69) گفتند: مجنون، آیه نازل شد به لطف خداوند پیغمبر مجنون نیست. گفتند: ابتر، گفت: پیغمبر ابتر است؟ دشمنش ابتر است. یعنی اگر دیدید کسی دارد ضعیف می شود، تحقیر می شود، به حمایت از مظلوم به پا خیزید. متلک او را با متلک جواب بدهید. شعرش را با شعر جواب بدهید. اسلحه اش را با اسلحه جواب بدهید. فیلمش را با فیلم جواب بدهید. از همان راهی که او ضربه می زند، شما هم با همان راه باید دفاع کنید. همه کسانی که پای تلویزیون بحث را گوش می دهند، این سوره را با هم بخوانیم در چند ثانیه، ثوابش را از همینجا که نشستیم به مدینه، قبر حضرت زهرا هدیه کنیم. «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ، فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ، إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ»

حالا زهرا کیست؟ زهرا را حدود ده، سیزده مورد یادگار نوشتیم. یادگارهای زهرا یک تابلو است. چقدر خوب است دبیرستان دخترانه این را داشته باشند. دخترهای دانشجو این را بدانند. 1- یادگار عمومی، یادگار علمی، یادگار انسانی، یادگار سیاسی، یادگار تبلیغی، یادگار حقوقی، یادگار عاطفی، یادگار تربیتی، یادگار تاریخی، یادگار در ایثار و سخاوت، یادگار تربیت شاگرد، یادگار زهرا در جبهه ها. اینها را نوشتیم برای شما بخوانم.

5- تسبیحات حضرت زهرا، یادگار رسول خدا

1- یادگار عمومی، تسبیحات حضرت زهرا. بعد از نماز 34 بار الله اکبر، 33 بار الحمدلله و 33 بار سبحان الله. ثواب هزار رکعت نماز دارد. حالا تسبیح حضرت زهرا چه بود؟ یک روز حضرت زهرا(س) آمد به پدرش گفت: من گرفتار هستم. چهار بچه کوچولو دارم. پشت سر هم، 2- اکثر وقت ها شوهرم جبهه است. حضرت علی، 3- عبادت خودم را دارم و آموزش زن های مسلمان هم دارم. یک خانمی بیاید کلفت ما شود. بالاخره من دختر پیغمبر هستم یکی در خانه کمک کند. پیغمبر چه پاسخی داد؟ فرمود: 34 بار الله اکبر، 33 بار الحمدلله، 33 بار سبحان الله بگو. این جواب چه ربطی به آن دارد؟ از این آدم می فهمد که می خواهد بگوید: زهرا از این حرف ها پیش من نزن. دختر پیغمبر مثل باقی دخترهاست. اینطور نیست که دختر پیغمبر هستی باید کلفت و نوکر داشته باشی. اصلاً پیغمبر یک چیز دیگر جواب داد. قرآن از این کارها می کند. گاهی وقت ها مردم یک چیزی از پیغمبر سؤال می کردند و پیغمبر یک چیز دیگر پاسخ می داد. «يَسْتَأْذِنُكَ مَا ذَا يُنْفِقُونَ» (بقره/215) آمدند گفتند: یا رسول الله چه چیزی انفاق کنیم؟ عدس بدهیم؟ پتو بدهیم. بخاری بدهیم؟ چه چیزی انفاق کنیم؟ فرمود: مهم نیست چه چیزی انفاق کنید. «قُلْ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلِلَّوَالِدَيْنِ» آنها پرسیدند: چه بدهیم؟ خدا در قرآن نگفت: چه بده؟ فرمود: به چه کسی بده. مهم نیست چه می خواهی بدهی. هرچه می دهی اول پدر و مادرت. اول فامیل هایت، اگر فامیل گرسنه باشد و فقیر باشد و شما پولت را جای دیگر خرج کنی ارزش ندارد. بعضی از حدیث های عربی را فارس ها هم می فهمند از بس آسان است. «لَا صَدَقَةَ وَ دُورِحِمٍ مُّحْتَاَجٍ» اگر فامیل تو محتاج است، صدقه هایی که می دهی ارزشی ندارد. نصفش را من می گویم،

نصفش را شما بگویید. اینها پرسیدند: چه بدهیم؟ خدا جواب داد: با هم بگویید... به چه کسی بدهید؟ چه بدهیم، به چه کسی بدهیم. حضرت زهرا فرمود: کلفت، فرمود: ذکر خدا. یعنی چه؟ یعنی از این حرفها پیش من نزنید.

فاطمه زهرا خانه آمد. یک نخ سیاهی داشت. حالا مثل فرض کنید این... این نخ سیاه را 34 تا گره زد. این یک گره، این یک گره... وقتی میخواست ذکر بگوید، گرهها را رد می کرد. الله اکبر، الله اکبر! جنگ احد که شد حضرت حمزه عموی پیامبر شهید شد، فاطمه زهرا(س) هفته ای دو بار سر قبر این شهید می رفت. اگر اشتباه نکنم دوشنبه و پنجشنبه، یک خرده خاک قبر را برداشت گل درست کرد، تسبیح تربت درست کرد. منتهی با خاک شهدای احد، کربلا که پیش آمد، مردم عوض خاک مدینه و خاک حضرت حمزه، خاک سید الشهداء امام حسین را تربت کردند. این تسبیح تربت ریشه اش این است. پس حضرت زهرا با هر نمازی گره خورد. این عمومی است، دانشجو و آیت الله و دکتر ندارد. همه تسبیحات حضرت زهرا را می گویند. این یادگار عمومی است.

6- جایگاه علمی حضرت زهرا در نزد امامان علیهم السلام

2- یادگار علمی، حضرت زهرا(س) کتابی داشت به نام مصحف، امام خمینی که تولدش روز تولد حضرت زهراست و تصادف بسیار مبارکی شد. ایشان در وصیت نامه اش نوشته: ما افتخار می کنیم مصحف فاطمه از ماست. مصحف چیست؟ یک کتابی بود علوم آینده در آن بود. یکوقت از امام صادق پرسیدند: در آینده چه می شود؟ در آینده چه می شود، راجع به چی؟ راجع به فلان مسأله. حضرت رفت در یک اتاق و برگشت. مصحف مادر یعنی کتابی که حضرت زهرا نوشته بود، باز کرد خواند. گفت: آینده این می شود. یعنی امامان ما علمی که داشتند، بخشی از علمشان از کتاب علمی حضرت زهرا بود. مصحف زهرا! دانشمندی بود. حالا حضرت زهرا که جا دارد.

همین حضرت معصومه قم، من به مناسبت تولدش در تلویزیون گفتم. سؤال های علمی زیاد را جمع کردند به مدینه آوردند، در خانه امام کاظم، در زدند. آقا نبود. حضرت معصومه دختر امام کاظم در خانه بود. گفت: چه شده؟ گفت: سؤال های زیادی داریم. سخت است. علمی است. گفت: بدهید من جواب بدهم. گفتند: تو! دختر خانه؟ نامه ها را دادند و هی به هم نگاه کردند. یک دختر در خانه می تواند این همه سؤال علمی را جواب بدهد. جوابها را گرفتند گفتند: دیگر چه کنیم؟ امام کاظم که نیست. در راه برگشت امام کاظم را در کوچه دیدند. گفتند: آقا سؤال های زیادی داشتیم، حضرت معصومه جواب داد. ما شک داریم. ایشان می تواند جواب بدهد؟ گفت: ببینم چه جوابی داده است. نامه ها را گرفت و در کوچه یکی یکی خواند. امام کاظم فرمود: «فداها ابوها» جان امام کاظم فدای معصومه! خیلی دانشمند است. این مصحف علمی است. یعنی کتابی زهرا نوشت که این کتاب سند علمی امامان ما بود. این هم یادگار علمی.

3- یادگار انسانی؛ حضرت مهدی (صلوات حزار) یادگار است. تمام سادات، سادات امضا که می کنند بنویسند سید! مثلاً اگر من سید باشم خوب است بنویسم؛ سید محسن قرائتی! این سیدی را بنویسید. علامت سبز، برای سید کرامت داشته باشید. امضایتان را سید بنویسید. افتخار کنیم. آنوقت سیدها هم یک خرده بیشتر حواسشان را جمع کنند. تو دختر فاطمه زهرا هستی. قرآن می گوید: همه شما می دانید چه کسی هستید؟ عربی هایی که می خوانم قرآن است. «مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ» (حج/78) شما نسل ابراهیم هستید. همه شما پیغمبرزاده هستید. پیغمبرزاده باید این حرف را بزند؟ «أَنَا وَ عَلِيٌّ أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ» در دعای ندبه

داریم. پیغمبر فرمود: من پدر شما هستم. علی بن ابی طالب پدر شماست. زهرا مادر شماست. کسی که یک چنین پدر و مادری دارد، باید یک چنین حرفی از دهانش بیرون بیاورد؟ باید یک چنین لقمه‌ی حرامی بخورد؟ باید یک چنین توطئه‌ای بکند؟ اینکه انسان بفهمد به چه کسی بند است.

یکی از فامیل‌های امام صادق خلافتی کرده بود. امام فرمود: بدی بد است ولی از تو بدتر است. تو فامیل ما هستی. الآن شما آخوندی را ببینی در خیابان سیگار می‌کشد. می‌گویی: آقا سیگار بد است اما از آخوند بدتر است. همین آخوند اگر بیاید در مسجد سیگار بکشد بدتر از بدتر می‌شود. اگر در محراب سیگار بکشد بد بد می‌شود. هرکاری بد است. از روحانی توقع نبود. از یک دانشجو، از هیچ مسلمانی، چون قرآن می‌گوید: «مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ» اصلاً مسلمان را حضرت ابراهیم روی شما گذاشت. نام شما را ابراهیم گذاشته است. شما نسل او هستید. سیدها هم حواسشان را جمع کنند و هم سعی کنند شباهتی با ریشه‌شان داشته باشند.

7- موضع‌گیری سیاسی حضرت زهرا پس از رسول خدا

4- یادگار سیاسی؛ فرمود: مرا مخفیانه خاک کنید. هرکس می‌آید، قبر زهرا کجاست؟ نمی‌داند. این قبر مخفی یعنی چه شد؟ دختر پیغمبر نباید تشییع جنازه شود؟ با چه کسی در افتاده بود؟ چرا یک چنین وصیتی کرده بود؟ این یک وصیت سیاسی بود. می‌خواست بگوید: من از خلفاء راضی نیستم.

5- یادگار تبلیغی، خطبه حضرت زهرا در مسجد، وقتی حضرت زهرا دید حق علی بن ابی طالب و امیرالمؤمنین را ندادند. دیگران بردند. به مسجد آمد یک پارچه... یک خطبه‌ای خواند اول خطبه‌اش می‌گوید: «و اعلموا انی فاطمه» مردم بدانید فردا نگویند نوار بود یا کسی مشابه او بود. «و اعلموا» بدانید «انی فاطمه» من فاطمه دختر پیغمبر هستم. یک سخنرانی کرد. چه سخنرانی. نگو سخنرانی بگو: نارنجک. بگو بمب! هر کلمه از سخنرانی او مواد منفجره بود. مثل سخنرانی زینب کبری در کوفه و شام. دختر زهرا هم سخنرانی‌اش در کوفه و شام حکومت بنی امیه را سرنگون کرد. این خطبه را برداشتند یکی از علماء توضیح داده، یازده جلد کتاب شده، هر جلد کتاب از این قرآن ضخیم‌تر. هر جلد کتاب، یعنی چند صفحه، فرض کنید چهار، پنج صفحه ایشان موادی داده که یازده جلد کتاب شده هر جلدش هفتصد، هشتصد صفحه است. این تبلیغی است.

بعد از خلیفه سوم که حکومت را به امیرالمؤمنین دادند، آن هم سایه همین خطبه‌ها بود. اینها همه... یکبار حضرت زهرا دلتنگ اذن بلال شد. به بلال گفت: بیا اذان بگو. گفت: والله من برای کسی اذان و اقامه می‌گویم که پیشنهادش رسول الله باشد. بعد از رسول الله برای پیشنهادهای دیگر اذان نمی‌گویم. گفتند: زهرا گفته است. فرمود: اگر زهرا گفته چشم! اذان را بلال گفت، وسط اذان زهرا افتاد. یعنی اینها با اذانشان، گفتند: بلال باشد و اذان نگوید، حکومت ما سرنگون می‌شود. گفتند: تبعیدش کنید. قبر بلال در شام است. یعنی اگر باشی، می‌گویند: چرا اذان نمی‌گویی؟ باید بگوید: من پیشنهادم پیغمبر نیست که اذان بگویم. من برای هر پیشنهادی اذان نمی‌گویم. اینها همه کارهای سیاسی بود. قبر من مخفی باشد. بلال اذان نگوید.

6- یادگار حقوقی؛ محاکمه سران حکومت، حضرت زهرا سران حکومت را به محاکمه کشید. قشنگ اینها را مورد خطاب قرار داد. رک حرف‌هایش را زد. کلماتی که حضرت زهرا گفته است. یادگارهای تربیتی است. اصلاً حضرت زهرا خطکش شد.

فرمود: رضای خدا در رضای زهرا است. رضای زهرا رضای خداست. یعنی چه؟ یعنی هرکس می‌خواهد ببیند خدا از او راضی است ببیند حضرت زهرا از او راضی است یا نه؟ اینها یادگارهای حضرت زهرا بود.

در این جلسه کوثر را گفتیم، ما نمی‌توانی کوثر باشیم؟ چرا. آدم‌هایی که وضعشان خوب است، یک قطعه زمین برای مسجد وقف کنند. نه برای حسینیه، تا مسجد اشباع نشده، حسینیه نسازید. چون حسینیه سالی ده روز درش باز است. مسجد شبانه روز درش باز است. مسجد خانه خداست و حسینیه خانه امام حسین است. خود امام حسین اگر باشد می‌گوید: اول مسجد. بله، اگر مسجد نیاز نیست، حسینیه، زینبیه، مهدیه، هرچه می‌خواهد بسازد. اما آنجا که مردم مسجد ندارند، حسینیه بسازند کار درستی نیست. از هر مرجعی می‌خواهید برسید. از خود امام حسین بپرس. بگو: برای شما خانه بسازم یا برای خدا؟ می‌گوید: برای خدا. وضعیتان خوب است یک یادگار بگذارید. حضرت زهرا دوازده یادگار گذاشت. شما یک مسجد برای او بسازید. خیلی از شما می‌توانید یک مسجد بسازید. گاهی می‌گویید: وضع مالی ما خوب نیست. در فامیل بسازید. مثلاً فامیل آقای فلان بیایند مبلغی بدهند و با هم یک مسجد بسازند. می‌گویند: اگر پول نداری عید قربان گوسفند بکشی چند نفر شریک شوید یک گوسفند بخرید. کار شریکی، تبلیغ شریک هم در قرآن داریم. خدا به موسی گفت: نزد فرعون برو. گفت: شریکی! «هارونِ اخی، و اَشْرَکُهُ فِی اَمْرِی» (طه/30 و 32) هارون برادر ماست، شریک شویم. شریکی یک مسجد بسازیم. یک یادگاری...

اساتید دانشگاه، عصاره تجربیات استادی‌شان را در یک نوار سی‌دی کنند و بدون قفل تکثیر کنند. من این کار را کردم. دو هزار سخنرانی در یک سی‌دی است و قفل ندارد. هرکس می‌خواهد راجع به آن صحبت کند... هر استاد دانشگاهی که سی سال، یا هر مدیر دبستان و دبیرستان، هرکسی که سی چهل سال کار علمی و تجربی کرده است، تجربه‌هایش را در یک نوار کند و این را تکثیر کند. ما هم می‌توانیم خودمان را کوثر کنیم.

وقتی دعا می‌کنید برای همه دعا کنید. خدایا بچه مرا... مثلاً شما امروز گفتید: برای سلامتی آقای قرائتی حمد بخوانیم. چرا من؟ اینقدر مریض هست از من بهتر است. برای همه مریض‌ها. دعا می‌کنید برای همه. امام یاد ما داد. نگو: خدایا فقیر من... «اللهم اغن کل فقیر، اللهم اشف کل مریض» یعنی ما هم می‌توانیم کوثر باشیم. یعنی خیر زیاد باشیم. پولدارها با پولشان، زور دارها با زورشان، قلم دارها با قلمشان، هرکسی می‌تواند در فضای خودش، خودش را خیر کثیر کند. خدایا به آبروی زهرا و این کوثر قرآن، مال و فکر و آبرو و شهرت و زبان و نسل و ناموس را، هر نعمتی به ما داده‌ای، آن نعمت را کوثر و خیر زیاد در آن قرار بده و همه را برای قیامت ما ذخیره قرار بده. همه کمبودها را حل بفرما. اگر مردم به فکر بیافتند کوثر شوند همه مشکلات حل می‌شود. این پتو برای خودم است. خانه برای چهار بچه است. اگر وقف کنم برای امت می‌شود، می‌شود کوثر. من بمیرم خانه برای چهار نفر می‌شود. البته اگر بچه‌ها فقیر هستند اول به بچه‌ها می‌رسد. اینطور نباشد که کسی چند تا بچه فقیر دارد وقف کند. چراغی که به خانه رواست به مسجد حرام است. منتهی بعضی از بچه‌هایشان سیر هستند. دخترش شوهر کرده به سلامت، پسرش هم شغل دارد مشکل ندارد. شما که دختر و پسر بیرون رفتند یک کار خیری بکن. چرا برای چهار نفر می‌گذاری؟ بگذار برای میلیون‌ها آدم. می‌توانیم با وقف و با نوشتن کتاب و با انتقال تجربیات خودمان به دیگران، خودمان را کوثر کنیم. خدایا همه ما را نسبت به همه نعمت‌ها مبارک قرار بده.

«وَالسَّلَامُ عَلَیْکُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَکَاتُهُ»